



Book Review: Bloody Robes: IRGC Combat Medical Services in the Karbala Operation 5

Morteza Massah

History Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract: The purpose of this article is to critique the book "Bloody Overalls: The Combat Medical Services of the Islamic Revolutionary Guard Corps in Operation Karbala 5" by Seyed Hamid Rahnema, which was published and entered the book market in 1402 AH. Since this document examines the performance and role of the IRGC's combat medical services during the imposed war, it can be considered a pioneering work for similar examinations in other units and operations. Critiquing such works illuminates the path of research on this topic and guides researchers to continue their work. Interviews and works by other authors have been utilized for the critique of this written work. The book "Bloody Overalls" was compiled to examine the performance record of the IRGC's medical services in Operation Karbala 5. The text of the book is fluent and understandable and meets the structural standards of a book; however, it suffers from a weak utilization of oral history capacity, and only about one-third of the book is dedicated to the author's main objective. In most chapters, the author has embedded his main and supplementary content in the text without citing sources. Furthermore, the author's principle of neutrality has been violated by expressing emotions and taking stances on some issues in this book.

Key Words: Combat Medical Services, Islamic Revolutionary Guard Corps, Karbala 5, Performance Report, Oral History.

بررسی و نقد کتاب روپوش‌های خونین:

بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵

مرتضی مساح

دکتری گروه تاریخ، پژوهشگر تاریخ شفاهی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

چکیده

هدف این مقاله نقد کتاب روپوش‌های خونین: بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ اثر سید حمید رهنما است که در سال ۱۴۰۲ هجری خورشیدی چاپ و وارد بازار کتاب شده است. از آنجا که این مکتوب عملکرد و نقش بهداری رزمی سپاه در طول جنگ تحمیلی را بررسی می‌کند می‌توان آن را راه‌گشایی برای بررسی این‌چنینی در سایر یگان‌ها و عملیات‌ها دانست، نقد و بررسی این‌گونه آثار همچون چراغی مسیر کاوش در این موضوع را روشن و کاوشگران را برای تدوین کار، راهنمایی و هدایت خواهد کرد. برای نقد و بررسی این اثر مکتوب از مصاحبه‌ها و آثار دیگر نویسندگان بهره‌برداری شده است. کتاب روپوش‌های خونین با هدف بررسی کارنامه عملکرد بهداری سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ تدوین شده است. متن کتاب روان و قابل فهم و استانداردهای یک کتاب از لحاظ ساختاری را داراست؛ ولی با ضعف استفاده از ظرفیت تاریخ شفاهی مواجه شده و فقط نزدیک به یک‌سوم کتاب به هدف اصلی نویسنده اختصاص یافته است. نویسنده در بیشتر فصول مطالب اصلی و تکمیلی خود را بدون ذکر منبع در متن جاسپاری کرده است. ضمن اینکه اصل بی‌طرفی نویسنده با ابراز احساسات و موضع‌گیری در مقابل برخی از مسائل در این کتاب نقض شده است.

واژه‌های کلیدی: بهداری رزمی، سپاه پاسداران، کربلای ۵، گزارش عملکرد، تاریخ شفاهی.

مقدمه

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷ هجری خورشیدی) درست زمانی آغاز شد که ایران از جنبه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی به دلیل وقوع انقلاب اسلامی در شرایطی شکننده و دشوار قرار داشت؛ حال آنکه کشور عراق به دلیل ظهور صدام حسین و ایجاد اقتدارگرایی مطلق در شرایطی باثبات و مناسب بود. ارتش شاهنشاهی ایران نیز در اثر حوادث مربوط به انقلاب اسلامی آمادگی جنگ با ارتش عراق را نداشت. تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی و سپس تأسیس بسیج مستضعفین در همان سال، آمادگی دفاعی ایران را با هدف تأمین امنیت داخلی و حفاظت از مرزهای سرزمین تا حدی افزایش داد، به طوری که یکی از اصلی‌ترین دلایل پیروزی در جنگ تحمیلی همکاری سپاه با ارتش و حضور گسترده نیروهای مردمی تحت عنوان رزمنده بسیجی در هشت سال جنگ تحمیلی است.

از نگاه نویسنده، بهداری تخصصی‌ترین یگان رزمی در طول جنگ تحمیلی است؛ زیرا رزمندگان آن از پزشک فوق‌تخصص تا امدادگر نه فقط باید آموزش‌های مهم و حیاتی را گذرانده باشند، بلکه باید از جان خود با هدف نجات جان دیگر نیروهای رزمنده چشم‌پوشی می‌کردند. توجه به نجات جان مجروح در خطوط مقدم از آغاز عملیات تا خطوط پدافندی جز از عهده نیروی متخصص و جان‌برکف بهداری رزمی برنمی‌آمد. بیشتر پژوهشگران و منتقدان دوران دفاع مقدس باور دارند نقطه عطف و تعیین‌کننده ۸ سال جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۵ هجری خورشیدی و در عملیات کربلای ۵ رخ داد؛ برهه‌ای که تمام قدرت‌های نظامی، سیاسی و بین‌المللی به کار گرفته شد تا تکلیف جنگ یک‌سره شود و به این سبب، کربلای ۵ که برخی آن را در امتداد کربلای ۴ می‌دانند را طولانی‌ترین، سخت‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عملیات در جنگ ایران و عراق می‌نامند.

توجه نویسنده کتاب *روپوش‌های خونین* به موضوع

بسیار مهم نقش بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ شایسته سپاس و تقدیر است؛ زیرا می‌توان چنین مکتوبی را عصاره بررسی عملکرد و نقش بهداری رزمی سپاه در طول جنگ تحمیلی متصور شد و آن را راه‌گشایی برای بررسی این‌چنینی در سایر یگان‌ها و عملیات‌ها دانست.

معرفی کتاب

کتاب *روپوش‌های خونین: بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵* به نویسندگی **سید حمید رهنما** و ویراستاری لیلا مهدوی‌نیا و به کوشش گروه مطالعات و جغرافیای نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران در ۳۸۴ صفحه به قطع وزیری در سال ۱۴۰۲ هجری خورشیدی به شماره ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۴۰ هزار تومان چاپ و وارد بازار کتاب شده است. **نصرالله فتحیان** مشاور نظامی کتاب، فرمانده بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات‌های بزرگ دوران جنگ تحمیلی و فرمانده بهداری نیروی زمینی سپاه به مدت ۲ سال بعد از پایان جنگ بوده و در حال حاضر مدیرمسئول مؤسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت است.

کتاب *روپوش‌های خونین* شامل پیش‌گفتار، مقدمه نویسنده، ۶ فصل، ضمیمه و نمایه است و نویسنده در پایان هر فصل، منابع و مأخذ و پی‌نوشت‌های مربوط به فصل را جاسپاری کرده است. مطابق آنچه در پیش‌گفتار کتاب آمده، هدف از نگارش این مکتوب بررسی کارنامه عملکرد بهداری سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ است. عناوین فصل‌های کتاب به‌ترتیب عبارت‌اند از: تاریخچه پزشکی نظامی، بهداری سپاه پاسداران از زمان تشکیل تا عملیات کربلای ۵، سازمان بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ و شهدای شاخص بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵.

فرایند نگارش این کتاب از سال ۱۳۸۷ آغاز و پس از مدت تقریباً طولانی و تغییرات گسترده ساختاری و غنی‌تر شدن محتوا به کمک منابعی از جمله کتب، مقاله‌ها،

طرح جلد کتاب ارتباط مستقیم و نزدیک به موضوع و محتوای کتاب ندارد؛ زیرا روپوش سفید در بسیاری از اوقات در جبهه استفاده نمی‌شد، به ویژه در زمان عملیات‌ها و مهم‌تر در پست‌های امداد و اورژانس‌های نزدیک به خط مقدم. در طرح جلد کتاب، خون‌های پاشیده‌شده روی روپوش غیرطبیعی جلوه می‌کند و ممکن است برای بیننده احساسی ناخوشایند ایجاد کند، به ویژه که خون موجود روی یقه روپوش بیشتر نمایان است. از دیگر علت‌های عدم ارتباط طرح جلد با محتوای کتاب را می‌توان به عدم استفاده طراح از نشانه‌های جبهه و جنگ قلمداد کرد. به نظر نمی‌رسد صرف تصویر امام خمینی که به جیب روپوش سنجاق شده است نشان‌دهنده فضای دوران دفاع مقدس باشد.

برخلاف طرح جلد، تصاویر به‌کاربرده‌شده در صفحات داخلی کتاب کاملاً گویا و مرتبط هستند و شایسته است در وصف آن‌ها گفته شود که یک عکس به اندازه هزار کلمه تأثیر دارد و چه بهتر که علاوه بر تصاویر مربوط به جبهه و جنگ، نویسندگان به‌خوبی از نمودارها و جداول برای ارائه محتوای خود بهره برده است.

با توجه به تجربه و سابقه نویسندگان، متن کتاب روان و قابل فهم است و استانداردهای یک کتاب از لحاظ مقدمه، فصول و منبع، پی‌نوشت، ضمیمه، آلبوم عکس و نمایه نیز مورد توجه دقیق قرار گرفته‌اند.

درباره ناشر کتاب، «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس»، همین اندازه کافی است که گفته شود یکی از تخصصی‌ترین سازمان‌های نظامی با هدف گردآوری محتوا درباره ۸ سال دفاع مقدس و یکی از کاربلدترین نهادهای وابسته به سپاه پاسداران است. ناظر کتاب، **نصراالله فتحیان**، همان‌طور که در معرفی کتاب گفته شد، عالی‌ترین مقام مسئول در بهداری رزمی سپاه پاسداران است. نویسندگان نیز با وجود دشواری‌های بیان‌شده در مقدمه کتاب، به‌خوبی از عهده استفاده بیشینه از اطلاعات نام‌برده برآمده است (رهنما، ۱۴۰۲، صص. ۱۷-۱۸).

نشریه‌ها، تارنماها، مصاحبه و اسناد شامل دفاتر راوی، نوارهای مصاحبه و فایل صوتی تاریخ شفاهی سردار نصراالله فتحیان در سال ۱۴۰۲ به پایان رسیده و چاپ شده است (رهنما، ۱۴۰۲، شناسنامه و متن کتاب).

معرفی نویسنده کتاب

سید حمید رهنما از نویسندگان فعال و خوش‌ذوق در عرصه ادبیات دفاع مقدس است. از وی کتاب‌هایی در همین عرصه به چاپ رسیده‌اند که نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان به شرح کوتاه زیر معرفی کرد:

کتاب **به وقت ۱۶ و ۴** نگارشی است که مخاطبان را با اقدام‌های سایت راداری - پدافندی سوباشی (واقع در ارتفاعات سوباشی همدان) در دوران دفاع مقدس و قهرمانان پدافند هوایی آشنا و به نقش پدافند هوایی و دفع تجاوز هواپیماهای دشمن را بررسی کرده است.

کتاب **۱-۰-۱** روایت گردان ۸۰۸ پیاده نیروی زمینی ارتش در دوران دفاع مقدس است.

کتاب **همیشه فرمانده** روایتی مستند از زندگی **شهید امیر سرلشکر حسن آبناسان** (فرمانده لشکر ۲۳ نیروهای مخصوص ارتش) است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خانواده و هم‌زمان به نگارش و چاپ درآمده است.

نقد شکلی

کتاب **روپوش‌های خونین** از جنبه فنی در سطح مطلوب قرار دارد. کیفیت چاپ، نوع کاغذ و جلد کتاب به چشم خواننده می‌آید. فونت، صفحه‌آرایی، نمونه‌خوانی و غلط‌گیری نیز از مواد مهم کتاب است که ناشر به‌خوبی از عهده آن برآمده است و به‌جز انگشت‌شمار غلط‌های املائی مانند ص. ۱۳ (بریتانیا)؛ بریتانیا، ص. ۲۹ (نیرها)؛ نیروها، ص. ۳۳ (سرخچه)؛ سرخچه، ص. ۲۱۴ (۹/۵/۰۱۰)؛ ۹/۵-۱۰ و ص. ۲۸۵ (۶۰۰۰۰ مجروح)؛ ۶۰۰۰ مجروح، موارد دیگری دیده نشد.

نقد محتوایی

در پیش‌گفتار که توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نگارش شده، آمده است:

پژوهش حاضر تلاش کرده کارنامه عملکرد واحد بهداری رزمی سپاه پاسداران را در عملیات کربلای ۵ با اتکا به اسناد و منابع دست‌اول به صورت مستند ارائه نماید (رهنا، ۱۴۰۲، ص. ۱۳).

فضای منطق حاکم اثر عملکرد بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ را بررسی کرده است که بر اساس منابع دست‌اول شامل کتاب‌ها، مقالات، فایل صوتی مصاحبه‌ها و اسناد دست‌اول موجود در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و بهداری سپاه پاسداران و به کمک جداول و نمودارهای آماری محقق شده؛ اما با توجه به محتوای فصول ۱ و ۲ و ۳ و ۵، نویسنده در جای‌جای اثر از هدف اصلی فاصله گرفته است و در صفحات و فصول بسیاری منطق حاکم به سمت ارائه تاریخیچه نحوه تأسیس و تعریف فرایندها و ارائه عملکرد بهداری در غیر از عملیات کربلای ۵ گرایش واضح پیدا کرده، به طوری که بالغ بر نیمی از حجم اثر را به خود اختصاص داده است. کتاب حاضر در کنار بررسی نقش بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ تلاش کرده است تا با ارائه خلاصه‌ای از فعالیت‌های این سازمان از آغاز تا برهه زمانی ۱۳۶۵، به گوشه‌ای از پیشرفت‌های آن طی سال‌های دفاع مقدس نیز اشاره کند.

پرواضح است بررسی عملکرد بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ در زمان مشخص، مکان مشخص و یگان مشخص مطرح است؛ اما زمان و مکان اثر را درنور دیده و به زمان‌ها و مکان‌های دور و نزدیک پرتاب شده است. مبنای این حرکت باز انگاری زمانی طولی و عرضی است (نورایی، ۱۳۸۷، صص. ۳۲-۳۵) که در اثر کمتر دیده می‌شود؛ از جمله اینکه استناد به روایت‌ها اندک است. بی‌شک، هسته اصلی هر تبیین تاریخی روایت است (Munslow, 2000).

به بیان دیگر، نویسنده دو فضای منطقی بر اثر حاکم

کرده است: الف- بررسی و ارائه عملکرد و ب- تبیین تاریخی به سبک تاریخ شفاهی. تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر و درباره حوادث و موضوعاتی است که امکان مصاحبه با عاملان یا شاهدان عینی آن حوادث فراهم است و در موارد کمبود اسناد بسیار اهمیت پیدا می‌کند (درکتانین، ۱۳۸۴، صص. ۲۹-۳۴)؛ حال آنکه هر کدام از این منطقی‌ها به روش‌شناسی و سبک نگارش خود نیاز داشته است. از دیدگاه روش‌شناسی، اگر مسیر پژوهش بر اساس مبنای پژوهشی تنظیم شده باشد، می‌توان انتظار داشت آن پژوهش به توسعه و نوآوری منجر شود. روش‌مند بر اساس فرضیه و مفروض، کلیدواژه، پرسش‌محور و فرضیه‌مدار چیده می‌شود؛ حال اینکه برای پاسخ به پرسش اساسی «تا چه میزان اثر حاضر را می‌توان پژوهش‌محور، تبیین تاریخی، گزارش‌محور یا ارائه‌کننده عملکرد دانست؟» باید به موارد مهم زیر در فصول کتاب اشاره و آن‌ها را تحلیل کرد:

الف- یکی از مهم‌ترین موارد تحت بررسی «منابع و مستندات» اثر حاضر است. منابع اولیه و اصلی و منابع ثانویه و فرعی در فصل‌ها و ارتباط آن‌ها با محتوای به‌کاربرده شده باید مورد توجه قرار بگیرند و برای فهم بهتر آن‌ها راهکار نیز ارائه داد. از دیگر موارد مهم تحت بررسی مبانی علمی و تحلیلی استفاده‌شده توسط نویسنده است.

ب- موارد دیگر ممکن است شامل امکان راستی‌آزمایی محتوا توسط خواننده، بی‌طرفی نویسنده، پشتوانه نظری دقیق و واضح، ارائه اعداد و ارقام دقیق و اعتمادساز باشند که در ادامه آن‌ها را بررسی خواهیم کرد. فقط به آمار و ارقام نمی‌توان اشاره کرد، بلکه باید چگونگی رسیدن به آمار و ارقام ادعایی و فرایند طی‌شده را نیز در نظر گرفت (پیرمرادیان، ۱۳۹۶).

پ- یکی از اصول مهم در خلق یک اثر علمی - پژوهشی «بی‌طرفی نویسنده» است که در این کتاب از همان ابتدا نقض شده است، به طوری که گاهی اثر را به یک کتاب سیاسی یا تمجیدی از عملکرد تبدیل می‌کند؛

در جنگ ویتنام به ۱۲ ساعت رسید (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۹).

در واقع، نویسنده نه فقط در فصل اول، بلکه در فصول بعدی هر جا به پزشکی نظامی و بهداری رزمی کشورهای غیر از ایران اشاره می‌کند، مطالب خود را بدون ذکر منبع در متن جاسپاری کرده است.

الف- نویسنده در مقدمه فصل اول، «تاریخچه پزشکی نظامی»، نیز موضع‌گیری سیاسی سختی علیه آمریکا بیان کرده است، هرچند در ادامه به پیشرفت ارتش آمریکا در راه‌اندازی بهداری رزمی اذعان می‌دارد:

ارتش آمریکا با کشتار مردم بومی و بعضی از مهاجرین در جنگ‌های داخلی و استعمار و همچنین در دو جنگ جهانی در هرگونه ظلم و قتل و غارت کارنامه ننگینی دارد. علاوه بر این‌ها در تجاوز آشکار و پنهان و غارت اموال کشورهای خاورمیانه و کشور عزیزمان سبقت را از دیگر کشورهای استعماری ربود (رهنما ۱۴۰۲، صص. ۲۴-۲۳).

ب- نویسنده در بخش اول فصل اول به‌جای بررسی تاریخچه پزشکی نظامی جهان صرفاً تاریخچه پزشکی نظامی آمریکا از سال ۱۷۶۰ میلادی تا کنون را بررسی کرده است. با توجه به اینکه سازمان‌های پزشکی ارتش آمریکا برای نجات جان سربازان این کشور به طور رسمی از سایر کشورها زودتر سازمان‌دهی شدند و تجربیات بسیاری اندوختند، نویسنده در این فصل چگونگی تشکیل نخستین گروه‌های امدادی پزشکی آمریکا تا تشکیل فرماندهی یکپارچه پزشکی نظامی آن را بررسی کرده است (رهنما ۱۴۰۲، صص. ۲۳-۲۴). نویسنده در این فصل، به دلیل تمرکز کامل بر موضوع پیشرفت نظامی آمریکا، از بررسی تحولات مهم پزشکی نظامی دنیا غافل مانده است؛ برای نمونه، اینکه در فاصله بین جنگ‌های اول و دوم جهانی و با توجه به تلفات فراوان نیروی انسانی به‌وجودآمده، جامعه ملل برای پیشگیری از بیماری‌ها و افزایش تلفات، تشکیلاتی تحت عنوان «سازمان بهداشت جامعه ملل» را به وجود آورد که بعدها توسعه یافت و به «سازمان بهداشت جهانی (۱۹۴۵)» تبدیل شد که همچنان

اینکه سفارش‌دهنده کتاب و ناظر نظامی به عنوان کارفرما درصدد ارائه گزارش عملکرد سازمان یگان خود بودند و نویسنده نیز به عنوان مجری، تحت تأثیر چنین شرایطی قرار گرفته و تا حدی از بی‌طرفی یا نقد عمیق دور مانده و گاهی دچار احساسات توأم با تعریف و تمجید شده است که در ادامه به مواردی اشاره می‌کنم:

الف- موضع‌گیری سرسختانه درباره تاریخچه تأسیس ارتش و نحوه مدیریت آن در مقدمه:

از آنجا که پادشاهان ایران چه قجری و چه پهلوی بر تقلید کورکورانه از غرب تأکید داشته به محض آشنایی با تازه‌ترین نوآوری‌ها به اجرای موبه‌موی آن در ارتش ایران فرمان می‌دادند. هرچند در این روند قطعاً نظر اربابان غربی در مورد چگونگی اجرای این فرمان بیش از امر ملوکانه اهمیت داشت (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۳).

ب) موضع‌گیری درباره رشد و پیشرفت بهداری رزمی سپاه:

با نگاهی به عملکرد بهداری رزمی سپاه طی سال‌های دفاع مقدس و همچنین بررسی عملکرد آن در آخرین عملیات گسترده دفاع مقدس در جبهه‌ی جنوب به‌خوبی به رشد و پیشرفت بهداری رزمی سپاه پی می‌بریم (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۵).

فصل اول

متن فصل اول روان و قابل فهم و گردآوری غنی در آن صورت گرفته است؛ اما نویسنده در هیچ بخشی از این فصل به منابع استفاده‌شده در بحث پزشکی نظامی جهان ارجاع نداده است. این نقیصه در جایی بیشتر نمایان می‌شود که نکات بسیار مهم و حیاتی از پیشرفت پزشکی نظامی آمریکا در جهان بیان شده‌اند، بدون آنکه منبع آن‌ها مشخص باشد، مانند:

طبق گفته ناظران نظامی در جنگ اول جهانی مجروحانی که به عمل جراحی نیاز داشتند ۲ هفته طول می‌کشید تا از خط مقدم جبهه به بیمارستان‌های مجهز منتقل شوند این زمان در جنگ دوم جهانی به ۷۲ ساعت و

نقشی مهم در موضوع پزشکی نظامی جهان دارد (نامجوی نیک، ۱۳۸۸، ص. ۹۸).

پ- بخش تاریخچه پزشکی ایران در فصل اول دارای استحکام محتوایی و منابع غنی و دست‌اولی است که نویسنده به‌خوبی از عهده ارائه آن برآمده است. ضمیمه معرفی اجمالی مشهورترین پزشکان نظامی ایران در انتهای فصل اقدامی شایسته و ارزشمند بوده که به غنای محتوا کمک شایانی کرده است.

فصل دوم

الف- مبحث مهم فصل دوم، یعنی بررسی بهداری رزمی سپاه پاسداران از زمان تشکیل تا عملیات کربلای ۵، خود، به‌تنهایی پژوهشی طاقت‌فرسا و مفصل است که ارائه آن در قواره یک فصل در این اثر خطایی بزرگ است؛ زیرا اعلام تشکیل بهداری همانند ریشه‌های گیاهی نورس به‌سرعت در سراسر کشور رشد کرد و در استان‌های مختلف تحولاتی را رقم زد که پژوهشی جامع و گسترده نیاز دارد تا بتوان تاریخچه دقیق و نحوه تأسیس بهداری سپاه پاسداران را نگاشت. می‌توان گفت نویسنده صرفاً به نوار مصاحبه نصرالله فتیحان و اشاراتی از مصاحبه اصغر ملا و چند سند از قرارگاه و مجله طب نظامی اکتفا کرده است که اتفاقاً همه منابع به تحولات جغرافیایی تهران اشاره می‌کنند. در مصاحبه نگارنده این سطور با مرحوم مرتضی مصدق‌فر و دست‌نوشته‌های موجود، تاریخچه‌ای از تأسیس بهداری رزمی سپاه و شکل‌گیری اورژانس رزمی و بیمارستان نظامی اصفهان مطرح شده است که مباحث فصل دوم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تکاملی جامع نزدیک می‌کند (مصدق‌فر، ۱۳۹۸، فایل مصاحبه).

یک ماه بعد از تشکیل سپاه پاسداران با حکم جواد منصوری فرمانده وقت سپاه، واحدی به نام بهداری تشکیل شد (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۶۰). درواقع می‌توان گفت با این اقدام نخستین گروه از نیروهای بهداری رزمی سپاه شکل گرفت (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۶۳).

حال آنکه قبل از اقدام یادشده در اصفهان، رزمنده‌های

داوطلب با هماهنگی نیروهای رسمی سپاه، علاوه بر آموزش برای ارائه خدمات پزشکی، به مناطق مختلف استان و کشور اعزام شدند (معمارزاده، ۱۳۹۷، فایل مصاحبه). در جهاد سازندگی همراه با دکتر مهرداد معمارزاده و تعدادی از بچه‌ها فعالیت می‌کردیم و کمیته بهداشت و درمان را راه‌اندازی کردیم و کلاس‌های آموزشی گذاشتیم. در سال ۱۳۵۸ به خوزستان، سپس بندرعباس و مناطق محروم فریدون‌شهر و پشتکوه نیرو اعزام کردیم (مساح، ۱۳۹۷، ص. ۶۵). در اولین اعزام، ابتدا به اهواز، سپس به پادگان گلف رفتیم. آقای شمخانی آنجا بود. وارد اتاق شدم و گفتم قصد دارم مقر بهداری در خط را راه‌اندازی کنم. او مرا به خط شیر اعزام کرد. آنجا حسین خرازی باخبر شد من دانشجوی پزشکی هستم و بی‌درنگ حکم مسئول هماهنگی پست امداد و راه‌اندازی بهداری را برایم صادر کرد، هرچند هنوز مفهوم بهداری رزمی مطرح نشده بود؛ زیرا فقط چند روز از جنگ بیشتر نگذشته بود (مساح، ۱۴۰۲، ص. ۶۴).

ب- منابع دیگری نیز موجود هستند که مباحث مهم مطرح‌شده در صفحه ۷۵ مربوط به عملکرد بهداری سپاه در دارخوین، نحوه تأمین اولین آمبولانس‌های مردمی که به نفع بهداری سپاه گردآوری شده‌اند و موضوع ستاد امداد و درمان جنگ در صفحه ۸۳ را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به تکامل روایی می‌رسانند.

به طور کلی، عمده ضعف فصل دوم اکتفا نویسنده به چند منبع محدود و صرفاً در سطح تهران و مقامات فرماندهی عالی‌رتبه است که چه‌بسا به دلیل محدودیت منابع و نوع قرارداد، چاره‌ای جز این نداشته است. از نگاه نگارنده، این فصل از کتاب به‌تنهایی پژوهشی بزرگ و کتابی جامع لازم دارد.

فصل سوم

نویسنده در فصل سوم، در عین بی‌طرفی، به ناموفق بودن عملیات کربلای ۴ اشاره می‌کند و تحلیلی جامع از شرایط سال ۱۳۶۵ و عملیات کربلای ۵ با استفاده از منابع

رضا امیدی مسئول بهداری لشکر ۳۲ انصارالحسین: از لحاظ شیمیایی برای مجروحان هیچ اورژانسی نداریم چون امکاناتی نداریم نه نیروی آن را داریم نه امکانات آن را (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۷).

نصرالله فتحیان: وقتی عملیات کربلای ۵ آغاز شد میزان آمادگی ما نزدیک به ۱۰۰ بود و مشکل عمده‌ای نداشتیم (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۱).

اما نویسنده در فصل بعد به نقل از همین راوی می‌آورد سردار فتحیان درباره عملکرد بهداری رزمی جنوب در مواجهه با بمباران شیمیایی دشمن می‌گوید:

رای عملیات کربلای ۴ و ۵ سایت اصلی بیمارستان صحرایی امام حسین(ع) مهیا نشد و ما از بیمارستان سوله‌ای استفاده کردیم (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۵۱).

با وجود اینکه نصرالله فتحیان در چند بخش از فایل‌های صوتی مصاحبه که نویسنده از آن‌ها بهره برده است، به شرایط مطلوب و آمادگی ۱۰۰ درصد بهداری سپاه و به طور کلی منطقه عملیات کربلای ۵ اذعان می‌کند، در جلسه‌ای که چند روز قبل از آغاز عملیات در قرارگاه کربلا به فرماندهی غلام‌پور تشکیل می‌شود، موارد مهم و دقیق از عدم آمادگی بهداری میان حضار رد و بدل می‌شود، از جمله:

اینجا سه بیمارستان هست، اما با این زمان دیگر به هیچ کدام نمی‌رسیم فقط باید روی بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) حساب کرد.

فاصله ما با بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) ۴۰ کیلومتر است و عبور از آب دارد و جاده‌اش واقعاً خوب نیست و ما هرجا عملیات می‌کنیم می‌گویند بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) خدا رحم کرد. مشکل بیمارستان ما در عملیات کربلای ۴ حل نشده بود.

حالا دیگر هیچ کاری آماده نمی‌شود.

بله کارشان یک ماه دیگر وقت می‌برد.

بیمارستان تا اتاق عمل آن راه نیفتد هیچ کاری نمی‌توان از آن کشید. (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۵۱).

بی‌طرف و غیرنظامی ارائه می‌دهد که منجر به خلق متنی قابل اعتماد و استناد شده است. ناگفته نماند، هر دو منبع درودیان و اردستانی که نویسنده از آن‌ها استفاده کرده است، از منابع خلق‌شده در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس هستند. اگر نویسنده به منابع دیگر و به ویژه منابع منتقد هم استناد می‌کرد، به پازلی دقیق و بی‌طرفانه‌تر از صحنه عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ دسترسی پیدا می‌کرد.

فصل چهارم

قلب اثر فصل چهارم است که هدف اصلی نویسنده از خلق کتاب است و نام کتاب نیز برگرفته از آن است؛ اما با یک تحلیل ساده آماری و محاسبه عددی، باید گفت فقط نزدیک به یک‌سوم کتاب به هدف اصلی نویسنده اختصاص یافته است که به نظر درصد مناسبی نیست. برای بررسی دقیق‌تر و استناد به محتوای این فصل به مواردی اشاره می‌شود:

الف- به نظر می‌رسد اگر نویسنده دست‌کم برای این فصل، چند مصاحبه اختصاصی از راویانی جز چند راوی نام‌برده انجام می‌داد بی‌گمان استحکام و مرجعیت بهتری پیدا می‌کرد. در یک کلام، استفاده از ظرفیت تاریخ شفاهی در این بخش مغفول مانده است (تاریخ شفاهی عبارت است از گفت‌وگویی فعال میان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده برای تولید متن که ممکن است بعدها به انواع نوشته‌ها تبدیل شود؛ در عین حال، در زمان تولید، تاریخ شفاهی است (نورایی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۳۶).

ب- اگر نویسنده به‌جای کلمات و بیان احساسات با آمار و ارقام سخن می‌گفت، نفوذ اثر بیشتر و تناقضات کمتر می‌شد؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم:

نصرالله فتحیان: ما در کربلای ۵ تقریباً آمادگی‌مان

خیلی خوب بود (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۷۷).

شفیع‌نژاد مسئول بهداری لشکر ۱۰ سیدالشهدا: ما شب اول عملیات به آن صورت امکانات نداشتیم... البته با وضعیتی که منطقه داشت اورژانس توانایی پذیرش این‌همه مجروح را نداشت (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۶).

فصل پنجم

در فصل ۵، تحت عنوان سازمان بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵، نویسنده به‌خوبی از عهده بیان کار ویژه سازمان برآمده، هرچند صرفاً از منابع کتابخانه استفاده کرده و مانند ۲ فصل قبل از ظرفیت تاریخ شفاهی در روایت راویان حاضر در صحنه بهره نبرده است و مهم‌تر اینکه از بررسی میزان اجرای سازمان مطابق آنچه روی کاغذ بود تا آنچه در صحنه به وقوع پیوسته، غفلت کرده است. هرچند نگارنده این سطور به سختی و طولانی بودن فرایند چنین بررسی کاملاً واقف است، در این فصل نیز ابهامات و تناقضاتی وجود دارند که به چند نمونه اشاره می‌کنم:

الف- بر اساس جدول، محل استقرار پست‌های امداد در عملیات کربلای ۵ فقط ۷ تیپ و لشکر در مجموع ۸ پست امداد دایر نموده‌اند (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۲).

حال آنکه تعداد لشکرهای دارنده پست امداد و تعداد کل آن‌ها بیش از ۸ پست است. منصور سلیمانی، فرمانده بهداری لشکر امام حسین (ع)، می‌گوید ما بهترین امدادگران خود را که تجربه عملیاتی داشتند در پست امدادهای منطقه کربلای ۵ گذاشتیم که تعدادی از آنان به شهادت رسیدند، از جمله شهید جواد فتحی و عبدالکریم تسلیمی (سلیمانی، ۱۳۹۵، فایل مصاحبه).

در مجموع به نظر نمی‌رسد از ۲۲ لشکر و تیپ فقط ۸ پست امداد در منطقه دایر شده باشد. شفیع نژاد نام ۱۳ تیپ و لشکر را بیان می‌کند که همگی پست امداد داشتند (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۶).

با مقایسه دو جدول در صفحات ۱۸۱ و ۱۹۲، می‌توان به اختلاف بیش از دوبرابری تعداد پست‌های امداد دایر شده پی برد.

ب- در این فصل نیز مانند فصل قبل نویسنده بیش از حد متعارف، از یک منبع (سند شماره ۲۷۱۷۳) استفاده کرده است، به طوری که بالغ بر ۴۰ بار به آن ارجاع داده است (رهنما، ۱۴۰۲، صص. ۳۰۹ تا ۳۱۳).

پ- اورژانس لشکر امام حسین (ع) در هفته اول

عملیات شیمیایی و تعطیل شد (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۶). شفیع نژاد: لشکر امام حسین (ع) دو روز بعد از عملیات اعلام کرد که اورژانس شیمیایی شده است (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۶).

طبق دو روایت بالا، باید در طول عملیات کربلای ۵، اورژانس لشکر امام حسین (ع) عملاً از مدار نجات جان مجروحان خارج شده باشد؛ اما برحسب اسناد موجود در همین فصل چنین استنتاجی اشتباه است.

بر اساس نمودار آمار عملکرد هوانیروز در عملیات کربلای ۵ از ۹ تا ۳۰ دی‌ماه ۱۳۶۵، ۷۳۰ مجروح که بیشترین تعداد آمار جابجایی هوایی است از محل اورژانس لشکر امام حسین (ع) اتفاق افتاده (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۷) و بر اساس جدولی دیگر تعداد پروازهای هوانیروز در طی تاریخ‌های مذکور، ۱۱۳ پرواز از محل اورژانس لشکر امام حسین (ع) بوده است (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۷).

بر اساس نمودار وضعیت بهداری یگان‌های رزمی در عملیات کربلای ۵ نیز بیشترین میزان مجروح، یعنی ۳۵۰ رزمنده با اختلاف زیاد از دیگر یگان‌ها، متعلق به لشکر امام حسین (ع) است؛ حال آنکه اگر لشکر بدون پست امداد و اورژانس می‌بود، این تعداد مجروح بحرانی بزرگ برای عملیات ایجاد می‌کرد و تعداد شهدا را بسیار افزایش می‌داد؛ حال آنکه:

تعداد شهدای همین لشکر ۲۵ نفر بوده است که از برخی لشکرها مانند لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و لشکر ۲۵ کربلا هم کمتر است (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۱).

ت- اورژانس لشکر پس از بمباران شیمیایی عراق تا مرز تعطیلی پیش رفت؛ اما از آنجا که نیروی انسانی و متخصص آماده در عقبه پیش‌بینی کرده بودیم بلافاصله توانستیم اورژانس را مجدداً فعال کنیم (سلیمانی، ۱۳۹۵، فایل مصاحبه).

یوسف کشفی آزاد، اولین فرمانده بهداری لشکر امام حسین (ع)، گفت: «زمانی که من به منطقه رسیدم حاج منصور سلیمانی و بسیاری دیگر از رزمندگان شیمیایی شده

فرودگاه اهواز ا زده بودند و راه‌های دیگر نیز بسته شده بود (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۵).

ج- نویسنده در بخش مهم بررسی عملکرد واحد اعزام نیروهای پزشکی و امدادی در عملیات کربلای ۵، با دقت بیشتر و بدون مبتلا شدن به خودسانسوری یا تناقض‌نویسی، نواقص و مشکلات را در ۶ تیر بیان می‌کند که بسیار حائز اهمیت است (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۳۵).

چ- به نظر می‌رسد نویسنده بهتر بود به‌جای استفاده از مقاله یا مقالاتی که دارای اعداد مشکوک و مبهم و کاملاً رند هستند، از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کرد. نمونه‌هایی از این اعداد شامل موارد زیر هستند:

در ۲۰ دی ۱۳۶۵ که اوج عملیات بود ۱۰۰۰ نفر مصدوم و ۳۳۰ نفر شهید شدند (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۴۸). در مجموع حاصل جنگ شیمیایی عراق در عملیات کربلای ۵ از ۱۹ دی تا پایان سال ۱۳۶۵ حدود ۲۰۰۰ شهید و ۸۰۰۰ مصدوم بوده (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۴۹).

این بیمارستان در عملیات کربلای ۴ پذیرای ۶۰ هزار مجروح بود و ۱۸۵ عمل جراحی نیز در آنجا انجام شد (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۸۵).

البته، امیدوارم عدد ۶۰ هزار غلط املایی باشد و منظور نویسنده عدد ۶۰۰۰ باشد، هرچند صحت عدد به این رندی بسیار ضعیف است و حتماً باید به منبع عدد و فرایند رسیدن به آن نیز اشاره می‌شد.

ح- در این فصل مباحثی دربارهٔ عملیات شیمیایی و انواع آن جای داده شده است که با هدف این فصل فاصله دارد. ضمن اینکه به تاریخچهٔ حملات شیمیایی و حتی حملات شیمیایی عراق در حلبچه که بعد از عملیات کربلای ۵ رخ داده هم اشاره شده است.

فصل ششم

فصل ششم و پایانی به معرفی شهدای شاخص بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ تعلق گرفته است که با نگاهی به لیست اسامی و تعداد آن‌ها، اولین چیزی که به ذهن می‌رسد احتمال ناقص بودن لیست

بودند انگار من آمده بودم که جای آن‌ها باشم بلافاصله سراغ صیادی را گرفتم و کادر اورژانس را از نیروهای قدیمی تأمین کردیم به طوری که در عملیات کربلای ۵ علاوه بر اورژانس اصلی با مسئولیت آقای صیادی یک اورژانس فرعی هم زدیم در محوری که به سنگرهای نونی شکل می‌خورد و به آن «سره راه شهادت» می‌گفتند که محل شهادت دکتر احمد صادقیان در همین عملیات هم شد (مساح، ۱۳۹۴، صص. ۷۰۷-۷۰۸).

ث- با وجود تشکیل تیپ امداد و انتقال مجروحان که در سال ۱۳۶۴ به سازمان بهداری رزمی سپاه افزوده شده است، موضوع انتقال مجروحان در عملیات کربلای پنج، اگرچه در این فصل به آن اشاره شد، دچار اشکالات اساسی است:

سردار فتحیان در مصاحبه خود گفت: ما برای عملیات کربلای ۴ و ۵ باید بالغ‌بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ دستگاه آمبولانس و اتوبوس آمبولانس آماده می‌کردیم (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۷) اما برابر با جدول وضعیت بهداری یگان رزمی در عملیات کربلای ۵ تعداد دقیق ۲۰۰ آمبولانس در طول عملیات توسط دشمن منهدم شده و جایگزینی هم وجود نداشته است (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۱).

صادقی فرمانده بهداری لشکر ۲۵ کربلا نیز از عدم همکاری قرارگاه در تأمین آمبولانس مورد نیاز گلابه می‌کند (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۰).

سلگی جانشین گردان ۱۵۹ لشکر ۳۲ انصارالحسین گفت: مشکل ما این بود که مجروحین به‌موقع به عقب منتقل نمی‌شدند... و این باعث تضعیف روحیه رزمندگان شده بود؛ به عنوان مثال برادری جلوی چشم ما حدود ۱۰ ساعت خون از بدنش می‌رفت و التماس می‌کرد... این شد که بیشتر مجروحین ما از خونریزی شهید شدند (رهنما، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۹).

اوضاع امداد و انتقال هوایی نیز اوضاع مناسبی نداشته است که این شرایط دشوار در بخشی از مصاحبهٔ سردار نصرالله فتحیان به چشم می‌خورد:

در عملیات کربلای ۵ امکان انتقال مجروحان نبود.

اسامی است که در عمل نیز چنین است:

الف- ما در عملیات کربلای ۵ مسئول محور بهداری لشکر امام حسین (ع) علیرضا شمس‌الکتابی را از دست دادیم. امیرحسین دیانی جانشین ایشان را نیز از دست دادیم. فرمانده امداد بهداری لشکر امام حسین (ع) یعنی محمدرضا ناظمی و مسعود شعیباف را نیز از دست دادیم (مساح، ۱۳۹۴، صص. ۷۱۰-۷۱۲).

ب- شهید رضا اتحادی فرمانده بهداری لشکر ۴۱ ثارالله نقل می‌کند که به جانشین خود یعنی علی بهزادی شهربابک مأموریت دادم تا برای تأمین تجهیزات پزشکی و دست‌وپا کردن نیروی امدادی به کرمان سفر کند تا اینکه خبر شهادت وی را به من رساندند (مساح، ۱۴۰۴، ص. ۱۹۸).

پ- خاطرات بیان‌شده از شهدای نام‌برده در این فصل عمدتاً بر مدار نمایش جنبه‌های عرفانی و معنوی آنان می‌چرخد و تقریباً تمامی خاطرات از منبع اینترنتی انتخاب و جاسپاری شده است. جای داشت برای هر شهید با انجام مصاحبه توسط خانواده و هم‌زمان و دوستان به تصویری جامع‌تر از شهدا دسترسی پیدا کرد. باور نگارنده این سطور بر این است که نویسنده به‌نوعی محکوم به خلق اثری بوده است که کارفرماها توقع گنجاندن چندین اثر مستقل را در آن داشته‌اند. موضوع شهدای شاخص بهداری رزمی خود پروژه‌ای مفصل و همه‌جانبه است و نه صرفاً یک فصل از یک اثر آن هم به شکلی ناقص و با منابع اینترنتی که از استحکام مرجعی مناسبی برخوردار نیست.

نتیجه‌گیری

کتاب روپوش‌های خونین از لحاظ کیفیت چاپ، نوع کاغذ و جلد کتاب جالب توجه است؛ ولی طرح جلد کتاب ارتباط مستقیم و نزدیک به موضوع و محتوای کتاب ندارد.

این اثر عملکرد بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ را بررسی و با ارائه خلاصه‌ای از فعالیت‌های این سازمان از آغاز تا سال ۱۳۶۵، به گوشه‌ای

از پیشرفت‌های آن طی سال‌های دفاع مقدس نیز اشاره کرده و این امر بر اساس منابع دست‌اول محقق شده است؛ اما نکته جالب توجه اینکه زمان و مکان، اثر را درنور دیده و به زمان‌ها و مکان‌های دور و نزدیک پرتاب شده و نویسنده مرتب از هدف اصلی فاصله گرفته است. نویسنده در همه فصول مطالب تکمیلی خود را بدون ذکر منبع در متن جاسپاری کرده است.

در فصل اول به‌جای بررسی تاریخچه پزشکی نظامی جهان صرفاً تاریخچه پزشکی نظامی آمریکا را بررسی کرده و در نقل تاریخچه پزشکی ایران از منابع غنی و دست‌اول بهره برده است. بررسی بهداری رزمی سپاه پاسداران از زمان تشکیل تا عملیات کربلای ۵ موضوعی وسیع است و جای دادن آن در این فصل و بسنده کردن به منابع محدود اطلاعاتی به‌خوبی نمی‌تواند عظمت و ابعاد آن را توصیف کند.

نویسنده در فصل سوم با بی‌طرفی به ناموفق بودن عملیات کربلای ۴، اشاره کرده این امر منجر به خلق متنی قابل اعتماد و قابل استناد شده است.

قلب اثر و هدف اصلی نویسنده فصل چهارم است که با یک تحلیل ساده می‌توان گفت فقط نزدیک به یک‌سوم کتاب به هدف اصلی اختصاص یافته است که به نظر درصد مناسبی نیست؛ زیرا استفاده از ظرفیت تاریخ شفاهی در این بخش مغفول مانده است و با مقایسه برخی از نقل قول‌ها، با تناقض مواجه می‌شویم.

در فصل ۵، نویسنده با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به‌خوبی از عهده بیان کار برآمده، هرچند از ظرفیت تاریخ شفاهی در روایت راویان حاضر در صحنه بهره نبرده است. در این فصل نیز با مقایسه نقل قول‌های راویان، با تناقضاتی مواجه می‌شویم.

معرفی شهدای شاخص بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵ عنوان فصل ۶ است؛ در صورتی که از برخی از شهدای شاخص این ارگان حیاتی نام برده نشده است. ضمن اینکه برای همان تعداد شهید نام‌برده از منابع اینترنتی استفاده شده است که برای بررسی صحت و

سقم آن‌ها باید از منابع دست‌اول و مصاحبه با نزدیکان شهدا استفاده می‌شد.

در مجموع، خلق این اثر قابل ستایش و برازنده تحسین است و نقدهای سازنده بر آن می‌تواند رهنمونی باشد برای افرادی که تجربه کمتری دارند و مسیر را برای خلق آثاری بهتر و دقیق‌تر هموار کند؛ زیرا مسیر موفقیت همواره با انتقاد همراه است.

منابع

- پیرمردیان، مصطفی (۱۳۹۶). کارگاه تاریخ شفاهی. مؤسسه پیام آزادگان اصفهان.
- درکتانیان، غلامرضا (۱۳۸۴). استانداردهای روایت، نگاهی به تاریخچه و ضرورت و اهمیت موضوع تاریخ شفاهی. *زمانه*، ۳۴، ۳۴-۳۹.
- <https://alefbalib.com/index.aspx?pid=256&PdfID=208835>
- رهنما، سید حمید (۱۴۰۲). *روپوش‌های خونین: بهداری رزمی سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۵*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- سلیمانی، منصور (۱۳۹۵). *فایل مصاحبه*. مصاحبه‌کننده: مرتضی مساح.
- مساح، مرتضی (۱۳۹۴). آقای دکتر...! تاریخ شفاهی به روایت حاج یوسف کشفی آزاد (اولین فرمانده بهداری لشکر امام حسین (ع)). اصفهان: ستارگان درخشان.
- مساح، مرتضی. (۱۳۹۷). *پزشکان عملیاتی، جلد یک زندگینامه دکتر علیرضا مهاجری*. اصفهان: نشر دارخوین.
- مساح، مرتضی. (۱۴۰۲). *پزشکان عملیاتی، جلد سه زندگینامه جانباز دکتر محمدرضا سعادت کیش*. اصفهان: نشر دارخوین.
- مساح، مرتضی. (۱۴۰۴). *زندگینامه شهید علی بهزادی شهر بابک*. فرمانده شهید بهداری لشکر ۴۴ ثارالله. در دست چاپ.
- مصدق فر (۱۳۹۸). *فایل مصاحبه*. مصاحبه‌کننده: مرتضی مساح.
- معمارزاده، مهرداد (۱۳۹۷). *فایل مصاحبه*.

- مصاحبه‌کننده: مرتضی مساح.
- نامجوی‌نیک، خسرو (۱۳۸۸). *تاریخچه طب نظامی از دوران ایران باستان تا پایان ۸ سال دفاع مقدس*. تهران: انتشارات ایران سبز.
- نورایی، مرتضی، سعیدی، علی اصغر، و حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۶۸). *چندوچون تاریخ شفاهی*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۱۸، ۳۶-۴۳. <https://oral-history.ir/?page=post&id=2217>
- نورایی، مرتضی (۱۳۸۷). *بررسی و نقد کتاب تاریخ‌نگاری ملی ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری*. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ماهنامه علمی پژوهشی، ۱۸ (۱)، ۳۰۱-۳۱۰. magiran.com/p1833694
- Munslow, A. (2000). *The routledge companion to historical studies*. Routledge.

